

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

کرانه‌های ناپیدای دایره بی‌اعتمادی و ناسازگاری‌ها ویژگی‌های وضعیت عمومی و سنگ بنای مناسبات اجتماعی مغزهای مسلح شده بایدئولوژی‌های غیرقابل ترمیم

اقدامات پیشگیرانه بمنظور محلی سازی تهدیدهای احتمالی
آیا آزمون دموکراسی در کشور ما به ناکامی انجامید؟
پس منظر بحران بقا و عواقب بحران موجودیت
حل و فصل دعوا بدون درگیری مسلحانه

در حل منازعه، دیپلماسی به مدیریت یک منازعه از طریق گفتگو و مذاکره اطلاق می‌گردد. در این زمینه، مذاکره و میانجیگری دو عنصر اساسی دیپلماسی بحساب می‌آید. حفظ تماس میان طرف‌های درگیر در منازعه با هدف تسهیل مذاکرات و حل منازعه می‌باشد. مذاکره به روندی گفته می‌شود که طرف‌های درگیر میکوشند نزاع‌های خود را با استفاده از رویکردهای خشونت‌پرهیزانه حل و فصل نمایند. در اغلب موارد، مذاکرات نخستین گام در راستای حل منازعه و دستیابی به صلح می‌باشد. یک مذاکره ساخت یافته شامل سه مرحله میانجیگری، مصالحه و آشتی می‌باشد. در مرحله میانجیگری، طرف‌ها تا لث یا میانجیگر دست به مداخله می‌زنند تا گروه‌های متخاصم را بمنظور گفتگو در مورد احتمالات حل منازعه کنار هم بیاورد. در مرحله مصالحه، جانب سوم، گروه‌های متخاصم را تشویق می‌نماید تا قسمت مذاکره گام بردارند. در مرحله آشتی، گروه‌های متخاصم تلاش ورزند بردشمنی و قبولی تفاوت‌های همدیگر فایق آیند. توافق بمنظور حل منازعه به مرحله ای از حل منازعه گفته می‌شود که در آن مذاکره منجر به حصول توافق میان طرف‌های متخاصم می‌شود که مبنی بر آن باید منازعه خود را حل نمایند. در این مرحله ممکن است یک توافقنامه بامضای برسد، اما تطبیق این توافقنامه، تعهدات بیشتر از جانب تمام طرف‌های درگیر می‌طلبد. حل منازعه یکی از جامع‌ترین گام‌ها بسوی صلح پنداشته می‌شود. این روند، طولانی مدت، وسیع و پیچیده است که در آن عوامل ریشه‌یی و شرایط بنیادی یک منازعه بگونه‌ای همه‌جانبه حل می‌گردد. در این پروسه، ساختار منازعه و رفتار گروه‌های متخاصم از "سئیزه جویانه" به "سیاسی" تغییر می‌پذیرد و حل منازعه، منازعه را بیک بیک روند سیاسی تبدیل می‌کند.

با در نظر داشت وضعیت جاری و اوضاع عمومی سیاسی - نظامی در کشوری توان گفت که با وجود قول و قرارهای "طالب"ها، در امتداد هفته‌های پسین، آنها شرایط جدیدی را مطرح نموده که بر بنیاد آن در صورت استعفای اشرف غنی از پست ریاست جمهوری و تشکیل حکومت انتقالی مورد پذیرش تمامی شهروندان کشور، سلاح بر زمین گذاشته، بانحصار قدرت در کشور مبادرت نخواهند ورزید. اما باید یادآور شد که در این پروسه، ساختار منازعه و عملکرد گروه‌های متخاصم از "سئیزه جویانه" با اقدامات و عملکردهای "سیاسی" تغییر می‌پذیرد. بنابراین، حل منازعه را بیک روند سیاسی تبدیل مینماید. اما "طالب"ها چنین می‌پندارند که رئیس جمهور کنونی کشور در نتیجه انتخابات مملو از تقلب رویکار آمد. آنها در عین حال قول دادند که زنان در حاکمیت نوین در کشور، از حق تحصیل، کار و فعالیت سیاسی برخوردار خواهند بود و با آنهایی که با امریکایی‌ها در کشور همکاری نموده‌اند، کاری بکار آنها نخواهند داشت. تمامی اعلامیه‌های اینچنینی با واقعیتها، اطلاعات و اخبار منتشره از مناطق تحت تسلط "طالب"ها در کشور

مغایرت دارد. ظاهر شدن زنان در مناطق یادشده، مانند سال های حاکمیت قبلی "طالب" ها در کشور، بدون محرم مرد، اکیدن ممنوع پنداشته می شود. "طالب" ها درکنار تخریب مجسمه بودا در بامیان، به از بین بردن تمامی آثار و آبدات موجود در ولایت بدخشان نیز با اقدامات عملی متوسل گردیدند. اخبار و اطلاعاتی مبنی بر تخریب اداره های دولتی و مجازات مجرمین بر بنیاد شریعت در مناطق و محلات یادشده نیز بنشر رسیده است. در کنار سایر مسایل، این نخستین بار نیست که "طالب" ها، کنار رفتن اشرف غنی از پست ریاست جمهوری کشور را تقاضا می نمایند. قبل بر این، در امتداد بازدید هیأت "طالب" ها بر رهبری شیرمحمد ستانکزی از مسکو نیز از کنار رفتن غنی تذکر بعمل آمده اما بدیلی در مورد یادشده، ارائه نگردیده و از قطع آتش نیز سخن نگفتند. دولت افغانستان تاکنون در قبال اظهار نظرها و اعلامیه های یادشده واکنشی بعمل نیآورده است. اما خودی ها چنین میپندارند که در طرح یادشده توسط "طالب" ها، هیچگونه قطعیتی اصلن وجود ندارد، همچنین بسیاری از اهل نظر با این امر متفق الرأی می باشند که اگر بگونه مثال، سه ماه قبل، قطع آتش در بدل استعفای اشرف غنی از پست ریاست جمهوری مطرح می گردید، بسیاری از احزاب سیاسی کشور، ممکن از موضوع یادشده پشتیبانی بعمل میآوردند. ممکن رئیس جمهور نیز به طرح پیشنهادی یادشده موافقت می نمود که در چنین یک وضعیتی، سطح اعتماد بر "طالب" ها از جانب سیاستمداران و سایر شهروندان کشور بگونه قابل توجهی کاهش حاصل می نمود. بسیاری ها هم چنین می پندارند که با استعفای اشرف غنی و کنار رفتن از مقام ریاست جمهوری، گام بعدی "طالب" ها، تصرف و اشغال قدرت در کشور خواهد بود. همه بخوبی آگاه می باشند که در شرایط و وضعیت حاضر در کشور، استعفای اشرف غنی و کنار رفتن از مقام ریاست جمهوری، به فروپاشی ارتش و تمامی نهاد های دولتی منجر خواهد گردید. در این مقطع، نباید لحظه ای هم از توطئه های خارجی در مورد، چشم پوشی نمود. اما همچنان نباید فراموش نمود که در وضعیت و شرایط حاضر، اشرف غنی در وضعیت نهایت دشواری بسر می برد. ناظران چنین می پندارند که تبانی نخبگان، بخودی خود به "طالب" ها فرصت می دهد تا محلات متعددی را یکی پس از دیگری تصرف نموده و بر آنها حاکم گردند. بسیاری از محلات یادشده بدون درگیری مسلحانه، تحت حاکمیت و نظارت "طالب" ها قرار گرفته است.

در امتداد هفته های پسین، "طالب" ها حملات شان بر مراکز ولایت های کشور را تشدید بخشیدند، اما ایالات متحده آنها را بانزوای بین المللی تهدید نموده، فضای کشور را بمنظور تداوم پروازهای پیهم آنکشور بست. کشور چین نیز خواهان مبارزه فعال علیه جنبش اسلامی ترکستان شرقی گردیده و مسکو و اسلام آباد، ایالات متحده را بدلیل سیاست های اشتباه آمیز آن کشور بباد انتقاد گرفتند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که تحرکات "طالب" ها در ولایت بدخشان و درمرزب تاجیکستان و چین، پکن را ناگزیر باتخاذ سیاست ها و رویکردهای فعالتری در قبال مسایل موجود در کشور ما نمود. ظاهرن در اینجا سخن از تمامی طرفهای درگیر در قضایای کشور ما می باشد. مدتی قبل، هیأتی از "طالب" ها تحت سرپرستی ملأبرادر بمنظور انجام مذاکراتی با مقامات چینی در مورد مسایل راجع به کشور ما به پکن سفر نمودند. جانب چین "طالب" ها را بمقدم شمردن منافع دولتی و مصالح و منافع ملی کشور فراخوانده و به برافراشته نگهداشتن علم مذاکرات و گفتگوها، استقرار صلح در کشور و حفظ دستاوردهای حاصله و معرفی چهره مثبت و تعقیب و تداوم سیاست مستقلانه فراخواند. وزیر امور خارجه چین اظهار نمود که کشورش همیشه از اصل مستقل بودن و حفظ تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان دفاع نموده و از تمامی گروهها و افشارنژادی و قومی کشور خواهان یکپارچگی و وحدت گردید. نباید فراموش خاطر ما شود که تاکنون شاهد بیطرفی پکن در مجموعه موضوعی هایش در قبال درگیری های کشور ما می باشیم. چین هم برکابل و هم بر "طالب" ها از اثر بخشی های لازمی برخوردار می باشد. همچنان هم برای "طالب" ها و هم برای اسلام آباد، اصل حفظ بیطرفی دوستانه پکن از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. بزودی پس از انجام حمله انتحاری در پاکستان، وزیر امور خارجه پاکستان همرا با امر استخبارات آن کشور به پکن سفر نمودند. ظاهرن پاکستان موفق گردید تا در موضوعگیری های چین و بر بنیاد ملاحظه نرماش قابل ملاحظه در مجموعه سیاست آن کشور، میان دو دولت، اعلامیه مشترکی در مورد حل و فصل صلح امیز قضایای کشور ما منتشر نمایند که در آن بگونه غیر مستقیمی بر این واقعیت تأکید بعمل آمد که حضور نظامیان خارجی در سرزمین متعلق با فغانستان سبب ایجاد سیاهچال جدیدی در حوزه امنیتی میگردد. ناظران چنین می پندارند که هیأت

"طالب"ها به هدف جلب اعتماد پکن به چین سفر نمودند. آیا آنها به چنین مأمولی نایل گردیدند و یا تاهنوز هم این امر بگونه کلی واضح نگردیده است. جالب است که بازدید "طالب"ها از پکن، نه در کابل و نه در واشنگتن سبب ایجاد واکنش های تحریک کننده نگردید. در مورد سفر "طالب"ها به پکن، دروزارت امور خارجه کشور ما باین موضوع اشاره گردید که پکن قبل از دعوت انجام سفر "طالب"ها به چین، دولت افغانستان را در جریان گذاشته و تذکر بعمل آمده بود که با دعوت "طالب"ها به چین، رهبری دولت چین تشویش آن کشور را در مورد چگونگی اوضاع امنیتی در افغانستان با آنها در میان گذاشته و نگرانی هایش را از موجودیت جنگجویان خارجی در صفوف "طالب"ها مطرح نمود. با وجود آنکه اعلامیه اینچینی وزارت امور خارجه بمتابۀ تحقیری برای "طالب"ها تلقی گردید، اما نماینده های "طالب"ها واکنشی نشان ندادند. وزیر امور خارجه ایالات متحده اعلام نمود کاکرچین بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای افغانستان مبادرت ورزد، درچنین وضعیتی، ممکن تداخل پکن بمتابۀ نکته مثبتی پنداشته شود. همچنان در اعلامیه یادآوری بعمل آمده و خاطر نشان گردید که هیچ کشوری خواهان تصرف تمامی اراضی افغانستان توسط "طالب"ها و استقرار شریعت اسلامی نمی باشد.

همچنان، پکن مسأله مربوط به کشور ما را با جانب دوشنبه نیز مورد بحث و گفتگو قرار داد. وزیر دفاع جمهوری مرد چین با امام علی رحمان رئیس جمهوری تاجیکستان گفتگوهایی انجام داد. خودی ها بگونه ای، فعالیت های جمهوری مردم چین و توسعه رقابت میان بازیکنان خارجی، در مورد انتخاب مکانی به منظور انجام آخرین دور مذاکرات و گفتگوها را باهم مرتبط می شمارند. این درحالیست که هنوز امید می رود تا در منطقه، سازشی در مورد بدست آمده باشد.

با نزدیکتر شدن تاریخ و موعد فراخواندن همه نظامیان خارجی از اراضی کشور ما، رقابت های یادشده در بسیاری از کشورها تشدید میگردد. چه، اصل مسأله پرستیژ و اعتبار دیپلماتیک کشورها در این مورد مطرح بحث می باشد. در این مورد پرسشی مطرح می گردد آیا مسکو، پکن و اسلام آباد در مورد مسایل مربوط به کشور ما به زبان مشترکی نایل گردیده اند؟

بانزدیکتر شدن موعد فراخواندن نظامیان خارجی از افغانستان، شهروندان کشور شاهد تشدید فعالیتها و اقدامات مسلحانه در کشور وحتا در منطقه بودند. اینکه در منطقه بانجام چه اموری باید اولویت قایل شد، تاکنون واضح ومبرهن نگردیده است، اما آنها به یقین میدانند که مقصر کیست. بسیاری از دست اندرکاران امور، سیاست و شیوه عملکردهای امریکایی ها در قبال "طالب"ها را مورد انتقاد قرار داده متذکر گردیدند کآغاز مذاکرات و گفتگو با "طالب"ها زمانی که بتعداد ۱۵۰ هزار تن از نظامیان امریکایی در افغانستان حضور داشتند، بمتابۀ ضرورت مبرم احساس گردیده تا در وضعیت یادشده وبا موقعیت بهتر و نیرومندی در مذاکرات حضور بهم می رسانند. درچنین وضعیتی، به یقین که "طالب"ها نیز به تعاملات و سازش هایی راضی می گردیدند. اما اکنون که تعداد نظامیان خارجی در کشور کاهش حاصل نموده و آنها نیز در حال ترک سرزمین کشور ما می باشند، درچنین وضعیتی، از مذاکرات و گفتگوهای مطرح چه انتظاری می توان داشت؟

بسیاری ها ایالات متحده را متهم می نمایند که در جهت دستیابی بحل و فصل سیاسی قضایای کشور ما (که هیچگاهی بدست نیامد)، پافشاری نمود. در وضعیت کنونی که "طالب"ها اقدامات و تحرکات نظامی شان را بیش از هر زمان دیگر تشدید بخشیده و مناطق و محلاتی را تحت تصرف خویش قرار داده و خویش را در موقعیت بهتری احساس می نمایند، به چه نحوه ای حاضر به سازش و حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور خواهند بود. چنین پرسش هایی نیز موجود می باشد که هجوم نظامیان امریکایی و ناتو بمنظور دستیابی به چه هدفی صورت گرفت؟ به هدف ملت سازی، برپایی دموکراسی، آزادی زنان و... اینکه چرا ناتو و در رأس آن ایالات متحده با اهداف شان در کشور ما نایل نگردیدند، این موضوع واضح می گردد که مسایل ذکر شده نه بمتابۀ اهداف اعلام شده ایالات متحده، بلکه بمتابۀ پوششی بمنظور دستیابی با اهداف پشت پرده بکار گرفته شده و اقدامات و تلاش های ایالات متحده وناتو بهیچگونه بحل و فصل سیاسی قضایای کشور ما منتج نگردید.

قابل یادآوری پنداشته می شود که چین، ایالات متحده را در مورد اوضاع کنونی کشور ما پاسخگو می پندارد، نماینده وزارت امور خارجه چین همچنین اظهار نمود که ایالات متحده نمی تواند تمامی بار ملامت

را بر عهده کشورهای همجوار افغانستان محول نماید. همچنان یادآوری بعمل آمد که ایالات متحده، بویژه پس از فراخواندن کامل نظامیانش از اراضی افغانستان، از امکان هر نوع درگیری مسلحانه در منطقه باید جلوگیری بعمل آورد.

بایست یادآور شد که در امتداد هفته پسین، وزرای دفاع کشورهای عضو پیمان همکاری های شانگهای در دوشنبه گردهم آمده و در پایان نشست اعلام نمودند که اوضاع در افغانستان رو بوخامت بوده و پس از فرا خواندن نظامیان ناتو از افغانستان، بیش از هر زمان دیگر تحرکات و فعالیت های سازمان های تروریستی تشدید گردیده است. در چنین وضعیتی، بویژه جنگجویان "داعش" از سوریه، لیبیا و سایر کشورها بسرزمین افغان ها انتقال داده شده اند. جانب ایالات متحده نه تنها بدلیل خارج شدن از سرزمین کشورما، بلکه بخاطر تلاش بمنظور حضور دایمی و همیشگی در منطقه مورد انتقاد قرار داده می شود.

فرا موش خاطر ما نشود که ایالات متحده در بسا موارد بانتخاب گزینه های بدی مبادرت میورزد. واشنگتن در وضعیت کنونی کشورما در صدد آن می باشد تا با پخش اعلامیه هایی، هم کابل و هم دول کشورهای منطقه را متقاعد نماید که آنها را در قبال معضلات کنونی تنها نمیگذارد. بر این بنیاد، وزیر امور خارجه ایالات متحده در امتداد سفر هفته پسین به هند و کویت، طی مصاحبه مطبوعاتی در دهلی جدید به خبرنگاران اظهار نمود که حتا زمانی که ایالات متحده به فراخواندن نظامیان از افغانستان مبادرت می ورزد، اما همچنان در افغانستان فعال باقی خواهند ماند. نامبرده یادآور شد که ایالات متحده نه تنها از موجودیت سفارت آن کشور در کابل باتمامی امکانات لازم و ضروری برخوردار میباشد، بلکه برنامه های وسیع و با اهمیتی بمنظور تأمین انکشاف و برقراری امنیت سراسری در افغانستان نیز در دستور کار واشنگتن قرار دارد. نامبرده همچنان ادامه داده افزود که واشنگتن درگیر دیپلوماسی در افغانستان بوده و خواهان آن می باشد تا طرف های درگیر، مجدداً بمنظور حل و فصل مسالمت آمیز قضایای موجود، به میز مذاکره و تداوم گفتگو ها حضور بهم رسانند.

واشنگتن اعلام نمود که با استفاده از تأثیرگذاری بر "طالب" ها، در صورت رسیدن بقدرت بویژه از طریق قوه و تشدد، آنها را مورد حمایت قرار نخواهد داد. وزیر امور خارجه ایالات متحده در هند همچنان اظهار نمود که اگر در افغانستان دولتی رویکار آید که بگونه ای در قبال شهروندان کشور روش های خشن و خشونت آمیزی را بکار بندد، بگونه قطع که افغانستان در عرصه بین المللی، کشوری مطرود پنداشته خواهد شد، چه چگونگی عملکردهای آنها در مناطق و محلات تحت تسلط شان، بگونه قطع نگرانی جامعه جهانی را ببار آورده و بنحوی نمایندگی از مقاصد "طالب" ها در کل کشور می نماید. همه باین باورند که یگانه مسیر برای افغانستان، جلب پشتیبانی بین المللی - تداوم ملاقات و گفتگوها، حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور و تشکیل دولت فراگیر محسوب می گردد. تصرف قدرت با استفاده از راهای خشونت آمیز، پشتیبانی بین المللی از افغانستان را بدنبال خواهد داشت.

قابل تذکر پنداشته می شود که با بیانیه اداره هوانوردی فدرال ایالات متحده، هشدارهای تحلیلگران نیز افزا یش حاصل نمود که بر بنیاد آن بر پروازهای شرکت های هوانوردی ملکی ایالات متحده برفضای کشورما نیز محدودیت هایی وضع گردید.

رسانه های محلی، پیام یادشده را بمتابه خبر عادی و همیشگی پنداشته و اما این در حالست که موضوع یادشده در مجامع سیاسی کابل، حالت بلا تکلیفی را سبب گردیده و امکان دستیابی "طالب" ها به سلاح و مهماتی که قادر به هدف قرار دادن هواپیماها در ارتفاعات بلند می باشد، تشویش هایی را ببار آورده است. همزمان با آن، در این مقطع پرسشی مطرح می گردد که چه کس و یاکسانی، چنین سلاح هایی را در خدمت "طالب" ها قرار خواهند داد؟ اگر ایالات متحده پرواز هواپیماها یش را برفراز کشورما ممنوع می نماید، رقبای ستراتیژیک واشنگتن در مورد به شک و شبهه مواجه می گردند.

اما با وجود اینهمه، چنین استنباط می گردد که تصمیم فوق بگونه کلی با امکان انتقال وسایل مورد ضرورت از میدان هوایی بگرام ارتباط دارد. آنها این گزینه را نیز از نظر دورنگه نمی دارند که تصمیم های اینچنینی معمولن بگونه بیروکراتیک اتخاذ گردیده که در وضعیت و حالت های منحصر بفردی انجام می پذیرد. اما بسیاری ها این دستور را بمتابه تحریک عمدی واشنگتن پنداشته که بمنظور تعمیق بی اعتمادی نخبگان افغانستان در قبال رقبای ستراتیژیک ایالات متحده در منطقه طراحی شده است.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که در امتداد هفته های پسین، "طالب" ها با ایجاد ترس و ارباب به تهاجمات شان همچنان ادامه دادند. آنها در امتداد هفته پسین در مناطق زیر تسلط شان بانجام قتل های فجیعی مبادرت ورزیدند. مدافعان حقوق بشروسیاستمداران ادعا می نمایند که با وجود آنکه همه ی این اعمال تشدد آمیز توسط "طالب" ها انجام می پذیرد، اما مسؤلیت تیرباران نمودن یک تن از نیروهای امنیتی کشور در ولایت کندز را "داعش" برعهده گرفت.

مدافعان حقوق بشر معتقدند که "طالب" ها بهمه وعده های داده شده، پشت نموده و با منتقدان عملکردها ی شان نیز تصفیة حساب نمودند.

روزنامه آرمان ملی از برنامه های تنبیهی "طالب" ها بویژه پس از تسلط بر مناطق مورد نظر پرده برداشت. در امتداد هفته های پسین، "طالب" ها ستراتیژی جنگی شان را تغییر داده و برخلاف تعهد سپرده شده آنها، مراکز واحد های اداری کشور را مورد تهاجم قرار داده و اما در نتیجه حملات اینچنینی، تلفات هنگفتی بر آنها نیز وارد گردید.

برخی ها از شهاب الدین دلاور نقل قول می نمایند که در جریان کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفته بود: "در توافق حاصله با امریکاییها به توافق نایل گردیدیم که در جریان خروج نظامیان آن کشور از افغانستان، بر آنها از حملات تلافی جویانه خودداری خواهیم ورزید، نامبرده همچنان ادامه داده افزود کازمسأله خودداری از حمله بر مراکز اداری ولایت های کشور در توافقتنامه یادشده، تذکری بعمل نیامده و در مواد موافقتنا مه نیز گنجانیده نشده است."

در ولایت هرات نیز درگیری های نفس گیری میان نظامیان کشور و "طالب" ها همچنان ادامه دارد. قابل یادآوری پنداشته می شود که در میان اینهمه درگیری ها و اعدام ها در ملای عام و سوقصد های سازماندهی شده و... آیا ادامه بحث در مورد روند صلح در کشور، عحیب بنظر نمی رسد؟

یکشنبه ۱۷ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی